

نویسنده: تریتا فارسی «Trita Farsi».

منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2026-05-02».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».



**محاصره ایران توسط ترامپ، شکست
را از کام پیروزی بیرون کشید.**

***Trump's Iran blockade snatches defeat from
the jaws of victory***

**جستجوی واشنگتن برای یافتن «راه حل جادویی» برای شکست دادن تهران،
دستیابی به توافق را تقریباً غیرممکن کرده است**

***Washington's search for a 'silver bullet' to defeat Tehran has made
it all but impossible to secure a deal***

همانطور که قبلاً استدلال کرده‌ام، آتش‌بس شکننده به طور نامتناهی به نفع ایالات متحده در برابر ایران بود: ترامپ هدف اصلی خود - خروج سریع از یک جنگ پرهزینه - را محقق کرد، در حالی که ایران منبع اصلی اهرم خود، یعنی فشار تورمی ناشی از افزایش قیمت نفت - را از دست داد. در مقابل، تهران بدون ورود به یک فرآیند دیپلماتیک دشوار با واشنگتن، قادر به دستیابی به هدف اصلی خود - کاهش معنادار تحریم‌ها - نبود. عدم تقارن کاملاً آشکار بود: ترامپ می‌توانست صبر استراتژیک داشته باشد، در حالی که ایران در صورت شکست یا فروپاشی مذاکرات، خطر از دست دادن مهمترین دستاوردهایی را که درگیری می‌توانست به همراه داشته باشد، به جان می‌خرد.

به طور خلاصه، این وضعیت موجود نوظهور می‌توانست یک پیروزی آرام اما قاطع برای ترامپ باشد. بله، ایران کنترل تنگه هرمز را که از نظر استراتژیک حیاتی است، حفظ می‌کرد - اما امروز نیز این کار را انجام می‌دهد و تقریباً در هر سناریویی این کار را خواهد کرد. اما در وضع موجود، قیمت نفت کاهش می‌یافت، زیرا ایرانی‌ها به نفتکش‌ها اجازه عبور می‌دادند تا هزینه‌ها را دریافت کنند. و تا زمانی که قیمت نفت پایین می‌آمد، موقعیت ترامپ در داخل و در مقابل ایران تقویت می‌شد.

اما سپس ترامپ مرتکب یک اشتباه آشنا و مهم شد. او بار دیگر، از توصیه اسرائیل و یکی از حامیان اصلی آن در واشنگتن، گروه مدافع FDD، پیروی کرد.

خفه کردن ایران: نگاهی به (5023).

FDD استدلال کرد که محاصره خلیج فارس به سرعت اقتصاد ایران را فلج می‌کند و تهران را به تسلیم وادار می‌کند و به ترامپ اجازه می‌دهد از طریق خفقان اقتصادی به آنچه که از طریق نیروی نظامی نتوانسته بود به دست آورد، دست یابد. به طور خلاصه، این به عنوان یک راه حل جادویی به او فروخته شد. بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

طبق این منطق، محاصره، درآمد صادراتی ایران را در عرض چند روز "عملاً صفر" می‌کند و تقریباً ۵۰۰ میلیون دلار در روز ضرر وارد می‌کند. با توقف صادرات نفت، ظرفیت محدود ذخیره‌سازی ایران ظرف چند هفته پر خواهد شد و این امر منجر به تعطیلی پرهزینه و از نظر فنی آسیب رسان چاه‌های نفت این کشور خواهد شد. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها ادعا کرد که این امر، تعادل استراتژیک را به طرز چشمگیری معکوس خواهد کرد - تنگه هرمز را از یک دارایی فرضی ایران به یک پاشنه آشیل فلج‌کننده تبدیل می‌کند، در حالی که مزیت ارزشمند زمان را به واشنگتن می‌دهد. فشار بر ایران به شدت افزایش می‌یابد در حالی که فشار بر ایالات متحده به سرعت از بین می‌رود.

ترامپ کاملاً موافق بود. تسلیم شدن طولانی مدت ایران که او مدت‌ها به دنبال آن بود، ناگهان به طرز وسوسه‌انگیزی در دسترس به نظر رسید. رئیس جمهور به خبرنگاران گفت: "محاصره هوشمندانه است. اکنون، آنها باید فریاد بزنند. عمو؛ این تنها کاری است که باید انجام دهند. فقط بگویید، 'ما تسلیم می‌شویم.' " (قابل توجه است که طبق گزارش‌ها، از آن زمان تاکنون، یکی از کارکنان بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها به تیم استیو ویتکاف پیوسته است.)

همانطور که قابل پیش‌بینی بود، عکس این اتفاق افتاد. محاسبات مطمئن و منطق منظم بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، مانند اغلب موارد، بیشتر ریشه در آرزو و خیال‌پردازی داشت تا واقعیت محض. طبق پیش‌بینی‌های خود، ایران باید تقریباً یک هفته پیش ظرفیت ذخیره‌سازی خود را به پایان رسانده باشد. با این حال، تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که تهران هنوز به طور فعال در جزیره خارک نفت را در نفتکش‌ها بارگیری می‌کند. در حالی که محاصره بدون شک فشار اقتصادی را افزایش داده است، هیچ نشانه‌ای از بحران حاد ذخیره‌سازی - یا فروپاشی آبشاری - وجود ندارد - FDD با اطمینان به ترامپ قول داد.

اما ترامپ با هدف قرار دادن صادرات نفت ایران، بیش از پیچیده کردن یک مسیر دیپلماتیک شکننده، عرضه جهانی را محدود کرد و قیمت‌ها را بالا برد. در واقع، به لطف محاصره، قیمت نفت اکنون از سطوح مشاهده شده در طول جنگ فراتر رفته است.

مدیرعامل اکسون امروز به سهامداران گفت که قیمت بنزین آماده افزایش بیشتر است و خاطر نشان کرد که "بازار هنوز تأثیر کامل [جنگ ایران] را ندیده است." در همین حال، جو کنت، مدیر سابق مرکز ملی مبارزه با تروریسم ترامپ، هشدار می‌دهد که "محاصره اکنون باعث کمبود کود جهانی می‌شود که باعث بحران‌های بزرگ امنیت غذایی و قحطی‌های احتمالی خواهد شد."

خلاصه اینکه: فشار به شدت مورد نیاز ترامپ که از طریق آتش بس حاصل شد، با محاصره‌ی جادویی ادعایی FDD کاملاً از بین رفته است

جذابیت گلوله نقره‌ای

در سیاست ایالات متحده در قبال ایران، آسیب‌شناسی وجود دارد که فراتر از وابستگی‌های دولتی و حزبی است: جستجوی بی‌وقفه برای یک گلوله نقره‌ای تنش‌زا که ایران را به زانو درآورد، آن را مجبور به تسلیم کند و ایالات متحده را قادر سازد تا سلطه ابرقدرتی خود را اعمال کند و از سازش با جمهوری اسلامی اجتناب کند.

در طول (47) سال، جستجوی این گلوله نقره‌ای افسانه‌ای ادامه داشته است - اما هیچ چیز پاسخی نداده است. فرصت‌های دیپلماتیک بی‌شماری قربانی شده‌اند و مسیرهای خروج آبرومندانه در این فرآیند سوزانده شده‌اند. با این حال، تلاش همچنان ادامه دارد. درخواست تسلیم ایران و ایمان پایدار به گلوله‌های نقره‌ای دست‌نیافتنی عمیقاً در هم تنیده شده‌اند. در ژانویه، ترامپ معتقد بود که صرف تهدید نظامی، تهران را مجبور به تسلیم

می‌کند. پس از صدور مجموعه‌ای از هشدارهای صریح که ایران به طور هدفمند آنها را نادیده گرفت، او یک حمله کالیبره شده را پیشنهاد کرد - حمله‌ای که تهران باید به طور نمادین با هدف قرار دادن یک پایگاه خالی آمریکایی به آن پاسخ دهد. ایران به صراحت امتناع کرد و روشن ساخت که هرگونه حمله‌ای باعث یک جنگ تمام عیار خواهد شد. ترامپ با تفسیر این سرپیچی به عنوان شکست اعتبار به جای رد اجبار، تنش را تشدید کرد. او دستور افزایش قابل توجه دارایی‌های نظامی در منطقه را داد، زیرا متقاعد شده بود که حجم قابل توجهی از نیرو سرانجام به موفقیت قاطع - راه حل جادویی که مدت‌ها به دنبالش بودند - منجر خواهد شد. اما این اتفاق نیفتاد.

در واقع، ویتکاف در مصاحبه‌ای فاش کرد که ترامپ از اینکه ایران، با وجود تهدیدهای نظامی‌اش، هنوز "تسلیم نشده" ناامید شده است.

واضح است که به تشدید بیشتر تنش نیاز بود. راه حل جادویی بعدی، ترور آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران، بود. در اواسط جنگ، یک مقام شورای همکاری خلیج فارس به من گفت که ترامپ به رهبران منطقه‌ای اطمینان داده بود که این درگیری بیش از ۱۰۰ ساعت طول نخواهد کشید. رسانه‌های اسرائیلی نیز به طور مشابه گزارش دادند که او به کی‌یر استارمر، وزیر امور خارجه بریتانیا، گفته است که این درگیری ظرف سه روز تمام خواهد شد. منطق این موضوع کاملاً واضح بود: کشتن خامنه‌ای یا باعث فروپاشی سریع رژیم یا تسلیم فوری آن می‌شود. این هم یک راه حل جادویی دیگر بود. بمباران گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی ایران نیز به آن پیشرفت مورد انتظار طولانی مدت منجر نشد. یک تحلیل بلومبرگ نشان داد که تنها ۳۲٪ از ساختمان‌های آسیب‌دیده به اهداف نظامی مرتبط بودند - اکثریت قریب به اتفاق آنها غیر نظامی بودند. حتی این کارزار ویرانگر و بی‌ملاحظه نیز نتوانست به نتیجه قاطعی که طراحان آن وعده داده بودند، دست یابد.

محاصره علیه محاصره، صرفاً جدیدترین مورد از فهرست طولانی راه‌های خیالی واهی است که روسای جمهور آمریکا به جای دنبال کردن دیپلماسی بسیار کم‌هزینه‌تر و بسیار مؤثرتر، به دنبال آن بوده‌اند. من گمان می‌کنم که تعداد خیره‌کننده‌ای از این راه‌های خیالی توسط FDD ساخته شده است. این مطلب با اجازه نویسنده در *Substack* باز نشر شده است.

سطری چند درمورد نویسنده :

تریتا پارسی

تریتا پارسی یکی از بنیانگذاران و معاون اجرایی موسسه کوئینسی برای دولت‌مداری مسئولانه است

----- **با تقدیم احترام « 19-05-2026 »**

